دست آخر

انقلاب در صنعت ساختمانی

حامد هدایی ، اقتصاددان رفتاری

با وجود بازشدن بازار مستغلات و تبوتاب خریدوفروش در سال ۹۷، نرخ فروش مسکن توسط مالکان و سازندگان آن‌چنان چنگی به دل نمی‌زند. این‌روزها هرچقدر هم مشتریان، طالب خانه‌ای باشند، بازهم چیزی در این میان وجود دارد که دلشان را برند. خیلی‌هاشان می‌دانند چرا مایل به خرید نیستند؛ آن‌هم به این دلیل که سرمایه‌گذاران کهنه‌کاری هستند که به دنبال موردی می‌گردند که بابت مالک‌شدنش حتی پول هم بگیرند. این موجودات عجیب خیلی خوب می‌دانند چطور از یک کاشانه زیر زیر قیمت خوش‌نقشه ۳۰ ساله، به‌اندازه یک واحد سوپرلوکس نوساز پول به جیب بزنند. بااین‌حال معدود افرادی هستند که رفتار سرمایه‌گذاری این‌چنینی دارند و بیشتر مشتریان به‌منظور کسب رفاه بیشتر به‌دنبال خانه‌ای هستند که بتوانند اوقات خوشی را با خانواده در آن سپری کنند و چنین افرادی بنا بر فرهنگ، سبک زندگی، موقعیت اجتماعی، میزان درآمد، موقعیت اجتماعی و حتی شخصیت و خاطرات گذشته‌شان از یک خانه دلخواه توقع‌های متفاوتی را برای خرید در خود شکل داده‌اند. این روزها باوجوداینکه مشتریان نیاز بالایی به خریدهای رفاهی در حوزه مسکن در خود احساس می‌کنند، تمایل چندانی به خرید مسکن ندارند و بیشترشان در لحظه نهایی از خرید منصرف می‌شوند. چرا؟ برای یافتن پاسخ، باید کمی روند بازار و تفکر افراد افتاده. واقعا خصوصی‌سازی است یا نه؟ آیا خصوصی‌سازی خوب یا بد واقعیت دارد یا بهانه‌ای ساخته و پرداخته طرفداران سرمایه‌داری است تا شکست تجربه‌های خصوصی‌سازی را لاپوشانی کند؟ پاسخ هرکدام از این پرسش‌ها می‌تواند به بحث‌های مفصلی کشیده شود که سر از علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و فلسفه درمی‌آورند، اما موضوع این گزارش پاسخ به هیچ‌دام از این پرسش‌ها نیست. این گزارش تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که شرکت‌های خصوصی‌سازی‌شده در ایران پس از واگذاری چه سرنوشتی پیدا کرده‌اند؟ به‌همین‌دلیل برای شروع، صد شرکت اولی که به طور کامل یا تدریجی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ از سوی سازمان خصوصی‌سازی واگذار شده‌اند، در این گزارش بررسی شده‌اند. بررسی صد شرکت نخستی که پس از آغازبه‌کار سازمان خصوصی‌سازی در سال ۱۳۸۰ روی میز فروش قرار گرفتند، نشان می‌دهد برخلاف ادعای مدافعان خصوصی‌سازی در طول سه دهه گذشته، نه‌تنها شرکت‌های دولتی واگذارشده به سمت بهپایی و سودآوری حرکت نکرده‌اند؛ بلکه در عمل با کاهش نیروی کار شاغل در این شرکت‌ها نیز روبه‌رو بوده‌ایم. اگرچه قوانین موجود خصوصی‌سازی موانعی را بر سر توقف فعالیت‌ها یا تعدیل نیروی انسانی شرکت‌های مورد واگذاری قرار داده است، بررسی صد شرکتی که واگذاری‌شان ۱۷سال قبل از سوی سازمان خصوصی‌سازی کلید خورده است، نشان می‌دهد صاحبان جدید شرکت‌ها در عمل مشکل چندانی برای انجام خواسته‌های خود نداشته‌اند و این موانع قانونی نیز ناکارآمد بوده‌اند و حتی نتوانسته‌اند از خود شرکت‌ها نیز محافظت کنند. از میان صد شرکت بررسی‌شده ۱۶ شرکت به کلی تعطیل شده‌اند یا در عمل تعطیل هستند و تنها روی کاغذ فعالیت دارند. شش شرکت نیز در وضعیت نیمه‌تعطیل به سر می‌برند و اگرچه هنوز نام و نشانی از آنها باقی مانده، اما فعالیت خاصی در آنها انجام نمی‌شود. ۲۹ شرکت دیگر نیز دچار مشکلات جدی هستند. این مشکلات که شامل بدهی‌ها تا ظرفیت کمتر از توان بالقوه، کاهش تولید، مشکلات بازار و... می‌شود، در این شرکت‌ها پررنگ‌تر از دیگر شرکت‌ها بوده و هرکدام از این شرکت‌ها در دهه‌های اخیر بین وضعیت نیمه‌تعطیل و فعالیت کامل در نوسان بوده‌اند. دراین‌بین بخشی از ۴۹ شرکتی نیز که در حال فعالیت مطلوب هستند، به پیشنوانه مالی هلدینگ یا نهادی که به آن وابسته‌اند، متکی به فعالیت بازار یکتا و مناسبی دارند. از سوی دیگر بررسی این صد شرکت نشان می‌دهد حداقل در ۶۲ شرکت مشکلات جدی کارگری گزارش شده است. این مشکلات کارگری شامل تعدیل شدید نیرو، اخراج جمعی کارگران، پرداخت‌نکردن دستمزد کارگران برای ماه‌های پیاپی و مشکلات قراردادی می‌شود و هرکدام از این ۶۲ شرکت در سال‌های پس از واگذاری حداقل یک‌بار سابقه چنین مشکلاتی را داشته‌اند و برخی از آنان همین امروز نیز درگیر آن هستند و در بعضی از این شرکت‌ها، مشکلات کارگران تا حدی جدی بوده است که به تجمعات و البته در مواردی، برخوردهای انتظامی و قضائی منجر شده است. در برخی موارد نیز تعدیل نیرو همزمان با تغییر محل شرکت، تغییر تکنولوژی شرکت و تغییر مالک شرکت صورت گرفته و اعتراضات کارگران اخراجی نیز به نتیجه‌ای نرسیده است. دکتر این نکته ضروری است که درباره ۳۸ شرکت باقی‌مانده که در مقابل عنوان مشکلات کارگری‌شان کلمه «خیر» نشسته است، نیز دهها گزارش‌هایی درباره مشکلات اشاره‌شده داده نشده و احتمال وجود چنین سوابقی در آنان نیز غیرمحتمل نیست. از سوی دیگر بررسی این صد شرکت نشان می‌دهد که سهام‌داران عمده ۵۴ شرکت درحال‌حاضر از بخش خصوصی شبه‌دولتی یا فرادولتی هستند. منظور از سهام‌دار عمده در این گزارش بزرگ‌ترین سهام‌داران هر شرکت هستند که گاه مالکیت کامل شرکت و گاه سهامی جزئی، اما تأثیرگذار از آن را در اختیار دارند و به واسطه این سهام، نمایندگانی در هیئت‌مدیره شرکت‌ها منصوب می‌کنند. اگر سهام‌داران و مالکان این صد شرکت را در کنار یکدیگر بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که حدود نیمی از این شرکت‌ها از سوی سهام‌داران حقیقی کنترل می‌شوند. این سهام‌داران که از سهام‌داران جزء بورس تا فعالان سرشناس و ثروتمند بخش خصوصی را تشکیل می‌دهند، گاه به‌تنهایی و گاه در مشارکت با بخش خصوصی این صد شرکت را مدیریت می‌کنند. پس از این سهام‌داران، بانک‌ها سهمی ۲۱درصدی در مدیریت صد شرکت دارند که در میان آنها بانک ملی ایران، فعال‌تر و ثروتمندتر از دیگران است. پس‌ازآن نیز نوبت به نهادهای انقلابی می‌رسد که با سهم ۱۹درصدی در مدیریت این صد شرکت جای پای محکمی برای خود داشته باشند. نکته جالب درباره این نهادها که شامل بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، ستاد اجرائی فرمان امام (ره)، آستان قدس رضوی و مؤسسه جامعه الامام صادق می‌شوند، این است که شرکت‌های تحت مالکیت این نهادها در مقایسه با شرکت‌های تحت مالکیت بخش خصوصی مشکلات کارگری کمتری را تجربه می‌کنند و سوابق تعدیل گسترده نیرو در آنان نیز کمتر است. صندوق‌های بازنشستگی با سهم ۱۱درصدی و سرمایه‌گذاران خارجی با سهم دودرصدی، دیگر گروه عمده سهام‌داران بزرگ این صد شرکت هستند. از نظر قدمت و سابقه تأسیس این شرکت‌ها نیز می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد. از میان این صد شرکت ۷۵ شرکت سهام‌داران جزء بورس تا فعالان سرشناس و ثروتمند بخش خصوصی را تشکیل می‌دهند، گاه به‌تنهایی و گاه در مشارکت با بخش خصوصی این صد شرکت را مدیریت می‌کنند. پس از این سهام‌داران، بانک‌ها

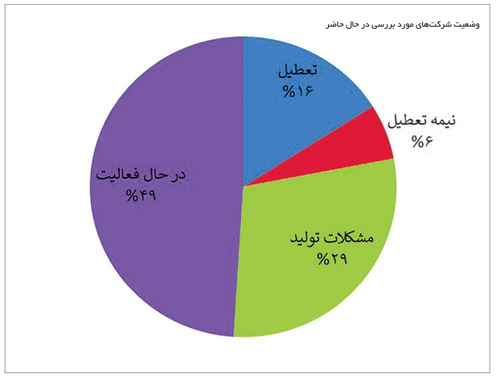

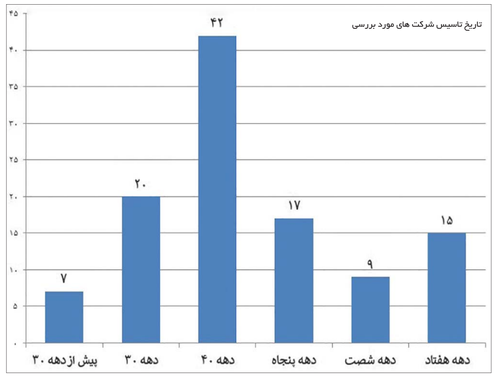

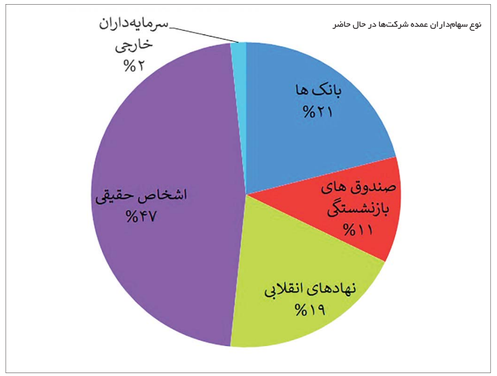

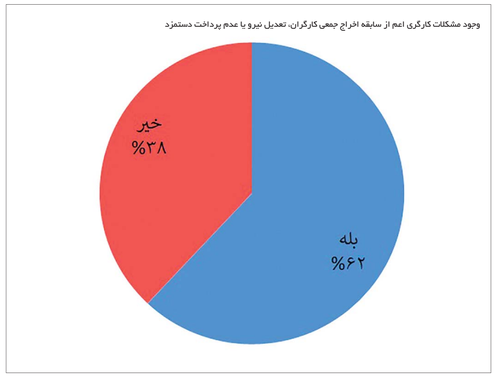

خصوصی‌سازی خوب است یا بد؟ آنچه در ایران در دهه‌های اخیر اتفاق افتاده، واقعا خصوصی‌سازی است یا نه؟ آیا خصوصی‌سازی خوب یا بد واقعیت دارد یا بهانه‌ای ساخته و پرداخته طرفداران سرمایه‌داری است تا شکست تجربه‌های خصوصی‌سازی را لاپوشانی کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها نیاز به بررسی کتبی دارد که باعث می‌شوند آنها نتوانند به طرز مؤثری نیازهای مشتری‌ها را بشناسند و خدمات خوبی به آنها ارائه کنند. اولویت انتبرک وضع کنونی جهان را این‌گونه به تصویر می‌کند: همه‌چیز از جمله مسائلی نظیر توزیع، تولید محصولات جدید، زنجیره‌های تامین و... دوباره اختراع شده است. اما بارایرهای همچنان در گذشته گیر افتاده است. سازندگان باید به این درک برسند که داشتن یک درک بهتر و عمیق‌تر از مشتری‌ها، به‌مراتب از برتری‌دن حس‌ها و مزیت‌های ملکستان دشوارتر است. مشتری‌ها دستخوش تغییرات فراوانی شده‌اند. اما روال ساخت‌وساز و فروش سازندگان همچنان به روال چندده سال پیش است. در این دوران انفجار دانایی و عصر اطلاعات که در آن به سر می‌بریم، محدودیت‌های پارادایم ساخت‌وساز فعلی و روند بازاریابی املاک و مستغلات آن نمود بیشتری پیدا می‌کند. با وجود این حقیقت که بسیاری از پیش‌فرض‌های مرتبط با این پارادایم در واقع ناشی از تفکرات سنتی هستند اما آنها بر کیفیت تفکراتی که به ساخت‌وساز می‌انجامد، تأثیرگذارند. چگونه؟ از آنجا که این کسب‌وکار بر پایه فرهنگ سنتی ما شکل گرفته است. شروع به استفاده از «روش‌های جدید» روندی است که باید خود را با آن سازگار کرد. اگر چنین است، پس چرا این پارادایم را تغییر نمی‌دهیم؟ چون تغییردادن پارادایم‌های مستحکم و قدرتمند فعلی، نیازمند جسارت و صبر فراوان است. همچنان که در طول تاریخ شاهد بوده‌ایم، افرادی که نمی‌توانند چشم‌انداز جدیدی از جهان را تصور کنند، معمولا بر سر حفظ چشم‌انداز موجود جنگیده‌اند. وقتی یک نفر تفکرات ما را به چالش می‌کشد، ما انسان‌ها از خود مقاومت نشان می‌دهیم. سازندگان و حتی مسئولان دولتی پول و زمان بسیار زیادی را به حل‌وفصل مشکلات بازار مسکن اختصاص می‌دهند؛ بدون آنکه حتی به این مسئله توجه کنند که شاید لازم باشد نحوه تفکر خود را دراین‌باره تغییر دهند. تغییردادن یک پارادایم نیازمند تغییردادن بسیاری از پیش‌فرض‌ها، انتظارات و قوانین تصمیم‌گیری رسمی و غیررسمی هستند که بر افکار و اعمال ما حاکم‌اند. مشکل دیگری که وجود دارد، کنارگذاشتن زودهنگام ایده‌هاست. بسیاری از اوقات، سازندگان و مسئولان ایده‌های مناسب و خوبی را بدون بذل توجه کافی کنار می‌گذارند. این ناشکیبایی غالبا از اکراه‌داشتن و بیزاری از یادگیری نشئت می‌گیرد. شرکت‌های ساختمانی فقط از طریق برقراری ارتباط مجدد بین تفکرات درهم و ناهماهنگ خود درباره مصرف‌کنندگان می‌توانند واقعا به نیازهای مشتری‌ها پی برده و آنها را به شکلی مؤثر برطرف کنند، تا با این کار بتوانند در فضای کسب‌وکاری سریع‌التغییر و رقابتی امروز جان سالم به در ببرند. درک این موضوع که قبل از طراحی هر محصول ساختمانی باید به درک عمیق‌ترین ادراکات روانی و ناخودآگاه مشتریان دست یابیم، خود می‌تواند انقلابی بزرگ در صنعت ساختمانی کشور ایجاد کند. سال‌های پیش یاد گرفتیم محصول را «برای» مشتری طراحی کنیم، اکنون زمان آن رسیده که همان محصول را «با» مشتری طراحی کنیم و در مراحل طراحی خانه‌ای که می‌خواهند داشته باشند، دخالتش دهیم.

وضعیت ۱۰۰ شرکت اول خصوصی‌سازی‌شده بررسی شد

زمستان خصوصی‌سازی

محمد مساعد

شرکت	سال تاسیس	مالک فعلی (سهامدار عمده)	نوع مالک	وضعیت	مشکلات کارگری	شرکت	سال تاسیس	مالک فعلی (سهامدار عمده)	نوع مالک	وضعیت	مشکلات کارگری
ارج	۱۳۱۶	بانک ملی	خصولتی	تعطیل	بله	سیمان هرمزگان	۱۳۶۱	بانک سپه	خصولتی	در حال فعالیت	خیر
اوتمتک	۱۳۴۲	بانک ملی	خصولتی	مشکلات تولید	بله	سیمان هگمتان	۱۳۷۶	بنیادمستضعفان	خصولتی	در حال فعالیت	خیر
ایتالر ان	۱۲۳۸	بنیاد مستضعفان، بانک ملی و اشخاص حقیقی	خصولتی	مشکلات تولید	خیر	سیمین اصفهان	۱۳۰۴	اشخاص حقیقی	خصوصی	نیمه‌تعطیل	بله
ایران‌تایر	۱۳۴۳	بنیاد مستضعفان	خصولتی	مشکلات تولید	بله	شیشه ایمنی میرال	۱۳۴۲	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	بله
ایران‌ترانسفو	۱۳۴۰	بانک ملی و اشخاص حقیقی	خصولتی	مشکلات تولید	بله	شیشه و گاز	۱۳۳۹	بنیادمستضعفان	خصولتی	در حال فعالیت	بله
ایران‌دارو	۱۳۴۳	ستاد اجرائی فرمان امام	خصولتی	در حال فعالیت	خیر	صنایع بستەبندی مشهد	۱۳۵۳	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر
ایران‌گچ	۱۳۳۲	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	بله	صنعتی آما	۱۳۳۸	ستاد اجرائی فرمان امام، بانک ملی، صندوق‌های بازنشستگی و اشخاص حقیقی	خصولتی	در حال فعالیت	خیر
ایران‌مرینوس	۱۳۴۶	بانک ملی، بنیاد مستضعفان و اشخاص حقیقی	خصولتی	مشکلات تولید	بله	صنعتی یوتان	۱۳۳۲	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	بله
آبسال	۱۳۳۵	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	بله	طیف ایران	۱۳۵۵	تغییر کاربری داده شد	خصولتی	تعطیل	بله
آبفر	۱۳۴۷	بانک صنعت و معدن	خصولتی	نیمه‌تعطیل	بله	عایق الکتریک ایران	۱۳۵۳	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر
آذرآب	۱۳۶۸	صندوق‌های بازنشستگی، بانک‌ها و اشخاص حقیقی	خصولتی	مشکلات تولید	بله	فراورده‌های غذایی مشهد	۱۳۶۰	بانک ملی	خصولتی	تعطیل	بله
آرد ایران	۱۳۲۹	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	خیر	فیبر ایران	۱۳۴۵	بانک ملی	خصولتی	نیمه‌تعطیل	بله
آریاالکترونیک	۱۳۴۰	اشخاص حقیقی	خصوصی	تعطیل	بله	قند پیرانشهر	۱۳۴۷	بانک ملی و اشخاص حقیقی	خصولتی	در حال فعالیت	بله
آزمایش	۱۳۳۷	بانک ملی	خصولتی	نیمه‌تعطیل	بله	قند تربت جام	۱۳۴۹	بانک ملی و اشخاص حقیقی	خصولتی	مشکلات تولید	خیر
آونگان	۱۳۵۲	اشخاص حقیقی	خصوصی	تعطیل	بله	قند شیرین خراسان	۱۳۴۲	بانک ملی و اشخاص حقیقی	خصولتی	مشکلات تولید	خیر
بلر (جام جهان‌نما)	۱۳۴۴	اشخاص حقیقی	خصوصی	تعطیل	بله	قند مرودشت	۱۳۱۹	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر
بهنوش ایران	۱۳۴۶	بنیاد مستضعفان	خصولتی	مشکلات تولید	بله	قند نقش‌جهان	۱۳۵۰	شهرداری اصفهان، بانک ملی و اشخاص حقیقی	خصولتی	در حال فعالیت	خیر
پارس‌الکتریک	۱۳۴۱	صندوق‌های بازنشستگی	خصولتی	نیمه‌تعطیل	بله	کابل‌سازی ایران	۱۳۴۴	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	خیر
پارس‌پامچال	۱۳۴۹	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	بله	کابل‌سازی تک	۱۳۴۵	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر
پارس‌دارو	۱۳۳۹	صندوق‌های بازنشستگی	خصولتی	در حال فعالیت	بله	کارتن ایران	۱۳۳۸	صندوق‌های بازنشستگی و اشخاص حقیقی	خصولتی	در حال فعالیت	بله
پارس‌قوطی	۱۳۴۴	اشخاص حقیقی	خصوصی	تعطیل	بله	کارتن مشهد	۱۳۶۳	بانک ملی و اشخاص حقیقی	خصولتی	تعطیل	بله
پارس‌مینو	۱۳۳۸	بنیادشهید	خصولتی	در حال فعالیت	بله	کاشی‌نیلو	۱۳۵۶	اشخاص حقیقی	خصوصی	تعطیل	بله
پشم‌بافی‌توس	۱۳۵۵	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	بله	کاغذسازی‌کهریزک	۱۳۳۶	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر
پشم و شیشه ایران	۱۳۴۶	صندوق‌های بازنشستگی	خصولتی	مشکلات تولید	بله	کاغذسازی‌نوظهور	۱۳۴۰	اشخاص حقیقی	خصوصی	تعطیل	بله
پمپ ایران	۱۳۵۴	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر	کربن ایران	۱۳۵۱	صندوق‌های بازنشستگی و بانک ملی	خصولتی	در حال فعالیت	خیر
پمپ پارس	۱۳۴۴	بنیاد مستضعفان	خصولتی	تعطیل	بله	کمباین‌سازی ایران	۱۳۴۸	آستان قدس رضوی	خصولتی	در حال فعالیت	بله
پیه‌ایران	۱۳۷۰	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر	کمپرسورسازی‌تبریز	۱۳۵۴	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	بله
تراکتورسازی‌تبریز	۱۳۴۷	اشخاص حقیقی	خصوصی	بعضی از بخش‌های تفکیک‌شده دچار مشکلات شدید تولید هستند	بله	کنتورسازی ایران	۱۳۴۷	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	بله
توسعه صنایع بهشهر	۱۳۴۹	بانک ملی و اشخاص حقیقی	خصولتی	در حال فعالیت	بله	کیمیدارو	۱۳۴۴	بانک ملی	خصولتی	در حال فعالیت	خیر
جام‌دارو	۱۳۴۱	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر	گروه صنعتی آردل	۱۳۵۵	اشخاص حقیقی	خصوصی	تعطیل	بله
چیت‌سازی بهشهر	۱۳۱۷	اشخاص حقیقی	خصوصی	تعطیل	بله	گوهرورود گیلان	۱۳۷۰	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر
داروسازی اسوه	۱۳۴۵	بانک ملی	خصولتی	در حال فعالیت	خیر	لاستیک البرز	۱۳۳۷	زیر نظر وزارت کار	دولتی	پس از خصوصی‌سازی تعطیل شد اما توسط هیئت کارگران اداره می‌شود	بله
داروسازی جابر	۱۳۳۹	بانک ملی	خصولتی	در حال فعالیت	خیر	لاستیک دنا	۱۳۵۳	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	بله
داروسازی زهراوی	۱۳۶۵	صندوق‌های بازنشستگی	خصولتی	در حال فعالیت	خیر	لاستیک‌سهند	۱۳۳۸	صندوق‌های بازنشستگی	خصولتی	در حال فعالیت	خیر
داروی کوثر	۱۳۵۳	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	بله	لامیران	۱۳۴۹	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	بله
داروی لقمان	۱۳۴۷	مؤسسه جامعه‌الامام‌الصادق (ع)	خصولتی	در حال فعالیت	خیر	لبنیات پاک	۱۳۳۸	بنیادمستضعفان	خصولتی	مشکلات تولید	بله
دنیای فلز	۱۳۴۰	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر	لنت ترمز ایران	۱۳۴۱	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	بله
روغن‌نباتی پارس (فو)	۱۳۳۳	اشخاص حقیقی	خصوصی	تعطیل	بله	لیفتراک‌سازی‌سهند	۱۳۵۵	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	بله
روغن‌نباتی‌جهان	۱۳۳۴	بنیاد شهید و ستاد اجرائی فرمان امام	خصولتی	نیمه‌تعطیل	بله	مارگارین	۱۳۳۲	بانک ملی	خصولتی	در حال فعالیت	بله
ریسندگی ری	۱۳۲۶	بنیاد مستضعفان	خصولتی	تعطیل	بله	ماشین‌سازی اراک	۱۳۴۶	صندوق ذخیره فرهنگیان	خصولتی	مشکلات تولید	بله
سرماآفرین	۱۳۴۷	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	بله	موتوژن	۱۳۵۲	ستاد اجرائی فرمان امام	خصولتی	در حال فعالیت	بله
سولیران	۱۳۴۳	صندوق‌های بازنشستگی	خصولتی	در حال فعالیت	خیر	مهندسی فیروزا	۱۳۴۵	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	بله
سیمان اردبیل	۱۳۶۶	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	بله	نفت بهران	۱۳۴۱	بنیادمستضعفان	خصولتی	در حال فعالیت	خیر
سیمان تهران	۱۳۳۳	بنیاد مستضعفان	خصولتی	در حال فعالیت	بله	نورد آلومینیوم	۱۳۵۱	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر
سیمان خاش	۱۳۷۴	بانک سپه و اشخاص حقیقی	خصولتی	در حال فعالیت	بله	نورد قطعات فولادی ایران	۱۳۴۷	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر
سیمان داراب	۱۳۶۶	بانک سپه، سهام عدالت و اشخاص حقیقی	خصولتی	در حال فعالیت	بله	نورد و لوله اهواز	۱۳۴۶	اشخاص حقیقی	خصوصی	مشکلات تولید	بله
سیمان سپاهان	۱۳۴۸	صندوق‌های بازنشستگی و ستاد اجرائی فرمان امام	خصولتی	در حال فعالیت	بله	نیروکلر	۱۳۷۶	بانک صنعت‌ومعدن، صندوق‌های بازنشستگی و اشخاص حقیقی	خصولتی	در حال فعالیت	خیر
سیمان شرق	۱۳۳۶	ستاد اجرائی فرمان امام	خصولتی	مشکلات تولید	بله	نیرومحرکه	۱۳۶۴	اشخاص حقیقی	خصوصی	در حال فعالیت	خیر
سیمان فارس و خوزستان	۱۳۲۹	صندوق‌های بازنشستگی	خصولتی	در حال فعالیت	خیر	هپکو	۱۳۵۳	تحت مدیریت دولت	خصوصی	ورشکست و به دولت بازگردانده شد	بله
سیمان کردستان	۱۳۶۸	ستاد اجرائی فرمان امام	خصولتی	مشکلات تولید	بله	یخچال ایران‌پویا	۱۳۴۵	بنیادمستضعفان	خصولتی	تعطیل	بله

سایه‌روشن

بحران آب در کوهپایه‌های زاگرس

محسن ارسلانی
دکترای دیرینه‌اقلیم‌شناسی دانشگاه تهران

رشته‌کوه زاگرس به واسطه سیستم پرفشار جبه حاره و قرارگیری در مسیر وزش بادهای غربی، دارای یک سیستم بارشی فصلی است. این منطقه بیش از ۹۰ درصد از بارش‌های خود را در دو فصل پاییز و زمستان دریافت می‌کند. مؤلفه ارتفاع در این منطقه همواره باعث شده است که علاوه بر جذب مقادیر درخورتوجهی باران، بخشی از بارش را هم به شکل برف دریافت کند. دریافت باران و برف از سیستم‌های بارشی مدیترانه‌ای باعث شده است که این منطقه به‌عنوان یکی از حوضه‌های آبخیز مهم ایران مطرح شود. با تغذیه ده‌ها رودخانه دائمی و فصلی و جریان‌یافتن آنها به سمت مناطق خشک و نیمه‌خشک مجاور تأمین آب بخش وسیعی از این مناطق وابسته به این کوهستان است. وجود منابع آب دائمی در این کوهستان و زیست‌بوم‌های مختلف آن در کنار شرایط آب و هوایی مناسب برای سکونت، این منطقه را از گذشته به‌عنوان یکی از مراکز عمده جمعیتی در ایران مطرح کرده است. در دهه‌های اخیر دخالت‌های شدید انسانی به همراه نوسانات اقلیمی منجر به آسیب‌های زیادی به این حوضه آبخیز شده است که سیستم هیدرولوژی این منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. به واسطه حذف پوشش‌های سطحی خاک بر اثر فعالیت‌های انسانی، بخش درخورتوجهی از بارش‌ها در فصل مرطوب به شکل رواناب و سیل از دسترس خارج می‌شوند. از طرفی دیگر رخداد بارش‌های برف سنگین و گسترده در این منطقه که عامل اصلی تغذیه رودخانه‌های دائمی در فصل خشک است، کاهش چشمگیری داشته است. به عبارتی دیگر به دلیل تغییر اقلیم و پیامدهای آن مانند تغییر در نوع بارش‌ها و افزایش فرین‌های اقلیمی و ترکیب این پیامدها با دخالت‌های انسانی، میزان ماندگاری آب حاصل از بارش‌ها در این حوضه کاهش یافته و در نتیجه منجر به تغذیه ناکافی رودخانه‌های دائمی شده است. علاوه‌براین افزایش شدید دما در فصل خشک تابستان منجر به افزایش میزان تبخیر آب‌های سطحی، کاهش سطح برف دائمی و همچنین افزایش نیاز آبی در این حوضه شده که کاهش دبی آب رودخانه‌های دائمی را در پی داشته است. با توجه به نوع فعالیت‌های اقتصادی و معیشت مردم این منطقه همواره بیشترین نیاز آبی در فصل خشک تابستان وجود دارد که در صورت جذب‌نشدن و نبود تغذیه منابع آب در فصل مرطوب، تنش‌های آبی در فصل تابستان نمود بیشتری خواهد داشت.

در کنار تمام مشکلاتی که این منطقه در زمینه تأمین آب با آن مواجه است، انتقال آب از این منطقه به مناطق خشک ایران مرکزی نیز پیامدهای متعددی داشته است که نه‌فقط منجر به افزایش تنش‌های آبی در زیست‌بوم‌های این حوضه شده است؛ بلکه تنش‌های اجتماعی را در برخی مناطق نیز در پی داشته است.

ساکنان مناطق خشک ایران مرکزی و همچنین مناطق نیمه‌خشک مجاور رشته‌کوه زاگرس در پی تأمین نیاز آبی خود از این منطقه هستند؛ درحالی‌که خود این منطقه به‌عنوان منبع تأمین‌کننده آب در سال‌های اخیر با مشکلات متعددی مواجه شده است. داده‌های هواشناسی ثبت‌شده در ایستگاه‌های هواشناسی مناطق زاگرس جنوبی و مرکزی نشان می‌دهند که در این مناطق نه‌تنها میزان دریافت بارش در سال‌های اخیر کاهش داشته است؛ بلکه همزمان نیز دما افزایش یافته است. علاوه بر دخالت‌های انسانی در این حوضه که آن را از حالت تعادل و پایداری خود خارج کرده است، وقوع پدیده تغییر اقلیم نیز آسیب‌های زیادی به اجزای زیست‌بوم‌های رشته‌کوه زاگرس وارد کرده است و منجر به افزایش تنش‌های آبی شده است. نتایج مدل‌سازی‌ها و مطالعات تغییر اقلیم نشان داده‌اند که عرض‌های جغرافیایی پایین‌تر بیشترین میزان آسیب‌پذیری را از این پدیده خواهند داشت. کشور ایران به دلیل واقع‌شدن در یک منطقه خشک و نیمه‌خشک در برابر پدیده تغییر اقلیم بسیار آسیب‌پذیر است. برای مقابله با اثرات منفی تغییر اقلیم برنامه‌ریزی‌ها به‌ویژه در زمینه آب باید به گونه‌ای باشد که اثرات ناشی از این پدیده بر جوامع انسانی و دیگر زیست‌بوم‌ها را به حداقل ممکن برساند. در کنار مقابله با اثرات منفی تغییر اقلیم ضروری است که در بین جوامع انسانی سازگاری لازم با این پدیده به وجود آید. پیگیری و اجرای طرح‌های انتقال آب در برخی از مناطق ایران به‌ویژه در حوضه زاگرس نشان‌دهنده جدی‌نگرفتن پدیده تغییر اقلیم در ایران از سوی تصمیم‌گیران است. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که با اجرای این طرح‌ها نه‌تنها مشکل تأمین آب مناطق مقصد برطرف نشده، بلکه به واسطه این طرح‌ها بحران‌های متعدد محیطی و اجتماعی دیگری هم ایجاد شده است که یکی از آنها تنش‌های اجتماعی به‌وجودآمده به واسطه بحران آب در استان‌های چهارمحال‌وبختیاری، اصفهان، یزد، لرستان و خوزستان است. دخالت در سیستم‌های هیدرولوژیک زاگرس به واسطه طرح‌های انتقال آب قطعا منجر به ناپایداری بیشتر این حوضه آبخیز شده و تنش‌های اجتماعی منطقه‌ای بیشتری را در پی خواهد داشت. در سطوح کلان نیز در روزهای اخیر شاهد اعتراضات نمایندگان برخی از استان‌های ذکرشده در مجلس شورای اسلامی به مسائل مربوط به انتقال آب بودیم.

از تصمیم‌گیران کشور انتظار می‌رود که به جای طرح‌های انتقال آب که بحران‌های متعدد زیست‌محیطی و اجتماعی در پی دارند، تمرکز لازم را بر مدیریت بهینه مصرف آب در مناطق خشک و نیمه‌خشک گذاشته و زیست سازگار با شرایط کم‌آبی را که در هزاره‌ها در کشور ایران تجربه آن وجود داشته است، در رأس هرگونه برنامه‌ریزی محیطی در این مناطق قرار دهند. پدیده تغییر اقلیم و پیامدهای آن بسیار جدی است و طرح‌های انتقال آب منجر به افزایش تقاضا در مناطق مقصد و ایجاد بحران‌های جدید در مناطق مبدا می‌شوند که هر دو این مناطق را در برابر پیامدهای مخرب تغییر اقلیم بسیار آسیب‌پذیرتر خواهد کرد و به تنش‌های اجتماعی بیشتری در این مناطق منجر خواهد شد.